

سرود آفرینش

سرشناسه	: مبینی سوچلمایی، حسن، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: سرود آفرینش / حسن مبینی.
مشخصات نشر	: تهران: آماره، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۲ص:؛
شابک	: 978-600-7446-97-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: مبینی سوچلمایی، حسن، ۱۳۴۳ --- خاطرات
موضوع	: مبینی سوچلمایی، حسن، ۱۳۴۳ --- یادداشت‌ها، طرح‌ها و غیره.
رده بندی کنگره	: PIR ۸۳۶۱
رده بندی دیویی	: ۶۲/۴فا۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۰۱۴۰۸

سرود آفرینش

دکتر حسن مبینی



©Nashre Amareh, MMXXI



عنوان کتاب: سرود آفرینش

تألیف: دکتر حسن مبینی سوچلمایی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۴۶-۹۷-۳

چاپ اول، ۱۳۹۹

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشر آماره محفوظ است

دفتر مرکزی نشر آماره: تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان

دوازده فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴ تلفن ۰۲۱-۶۶۹۵۱۳۲۳ و ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱

برای آگاهی از اطلاعات بیشتر به وب سایت نشر آماره مراجعه کنید:

www.nashreamareh.ir

فهرست مطالب

۱۱.....	کودک و روستا.....
۴۱.....	جستجوی اندیشه.....
۵۳.....	آی باران.....
۵۳.....	گل محمدی، گلی صورتی رنگ و تمام.....
۵۵.....	درخت صنوبر.....
۵۶.....	نرگس.....
۵۶.....	زمستان.....
۵۷.....	باد در زمستان.....
۵۸.....	باران و جویبار.....
۵۸.....	درخت بید.....
۵۹.....	فضای مه اندود.....
۶۰.....	بنفشه گلی تمام.....
۶۱.....	کودک و پیرمرد روستایی.....
۶۲.....	بالاتراز فرشتگان.....
۶۳.....	علی تجسم صداقت و یکرنگی.....
۶۵.....	سرنوشت کیهان و بشر.....
۶۷.....	درهمدان.....
۶۹.....	یادی از یونگ و ژوزف مورفی.....
۷۱.....	باید گریست!.....
۷۲.....	از رباعیات خیام.....
۷۳.....	از چه چیز خرسندی؟.....
۷۵.....	درخت پاییزی (انجلی).....

- ۷۶..... دو بامداد در مشهد.....
- ۷۷..... کلید شخصیت حافظ.....
- ۸۱..... حسین (ع) فریاد ستم‌دیدگان و زینب (س).....
- ۸۳..... ما نه مردان ریاییم.....
- ۸۶..... تنهایی در مکه.....
- ۹۰..... سوگند به قلم «ن و القلم».....
- ۹۱..... خودم و پولک‌های بال پروانه.....
- ۹۲..... در آرامگاه فردوسی.....
- ۹۵..... زیبایی مهتاب در سکوت شب.....
- ۹۵..... دست تمتی به سوی خدا.....
- ۹۶..... تو را دوست می‌دارم ای طبیعت.....
- ۹۷..... در دمشق با ابن عربی.....
- ۹۸..... ثروت یا علم؟.....
- ۹۹..... مهاتما گاندی.....
- ۱۰۰..... قله‌ی بزرگ زندگی.....
- ۱۰۱..... فن‌اناپذیر جاودان.....
- ۱۰۱..... در وداع با محمد آخرین پیامبر.....
- ۱۰۳..... صدای حزین.....
- ۱۰۴..... تعمید صدق.....
- ۱۰۵..... خنجر روح.....
- ۱۰۵..... دعا و احساس تنهایی در بیان رنج‌ها.....
- ۱۰۸..... تحریف تاریخ.....
- ۱۱۰..... فرار از آسمان صاف پرستاره.....
- ۱۱۱..... امید و یأس.....
- ۱۱۱..... اهل سلامت.....
- ۱۱۲..... با طبیعت خود را باور کن.....

- ۱۱۲.....باغ آروزها (اتوپیا)
- ۱۱۳.....طبیعت و زندگی
- ۱۱۴.....آتش و زرتشت
- ۱۱۷.....بودا (زندگی شبنمی بر روی برگ شبدری است)
- ۱۱۸.....صدای سماور
- ۱۱۹.....خراب آباد
- ۱۱۹.....شاد باش
- ۱۲۱.....جوانی
- ۱۲۲.....خواب و خلسه
- ۱۲۳.....سجده در دامن طبیعت
- ۱۲۴.....امواج روح انسانی
- ۱۲۴.....موسیقی
- ۱۲۵.....نگاهی به دو عارف (مولوی و روزبهان بقلی)
- ۱۲۶.....عجز و نیاز
- ۱۲۷.....برخی جمله‌هایی که حق حیات دارند
- ۱۲۸.....آزادی
- ۱۲۹.....شهید
- ۱۲۹.....سنگ صبور هم زیباست
- ۱۳۰.....قلندری و درویشی
- ۱۳۱.....زیبایی
- ۱۳۲.....زندگی شنا کردن در حوضچه اکنون
- ۱۳۲.....خدایا تو مرا دوست داشتی
- ۱۳۵.....مادر پیر طبیعت
- ۱۳۶.....خوشبختی چیست؟
- ۱۳۹.....لذت‌های مادی و غیرمادی
- ۱۴۲.....لذت و بهجت و کمال و سعادت

- ۱۴۴.....اپیکور ولذت معاشرت با دوستان هم سطح.
- ۱۴۵.....زمان چیست؟
- ۱۴۷.....در مقام استجاب دعا.....
- ۱۴۸.....ایمان مذهبی و وحدت شخصیت.....
- ۱۴۸.....مثبت اندیشی قرآن.....
- ۱۴۹.....پدرم و مادرم و خانه‌ی زادگاهیم.....
- ۱۵۰.....من و عنوان بصری.....
- ۱۵۲.....دانشمندان بهترین همراهان.....
- ۱۵۳.....من بخشی از طبیعتم.....
- ۱۵۳.....حمام آفتاب درختان.....
- ۱۵۴.....رودخانه فرات.....
- ۱۵۵.....نسیمی در طره آقاییا.....
- ۱۵۵.....سفر خیال انگیز.....
- ۱۵۶.....تا به اقلیم وجود.....
- ۱۵۶.....زندگی زمین و خورشید.....
- ۱۵۷.....ابرها و آفتاب.....
- ۱۵۸.....اسرار آسمان.....
- ۱۵۹.....پاییز مدرسه رنگ ها.....
- ۱۵۹.....چهار و نیم صبح.....

مقدمه

طبیعت کتاب زندگی است، ما از طبیعت علم و دانش می‌آموزیم و در کنار او به آرامش می‌رسیم. زیبایی های طبیعت ما را به خود می‌خواند از طلوع و غروب آفتاب گرفته تا آسمان پرستاره و تا شکل‌گیری ابرهای گوناگون و بازی نور آفتاب با آن. باران و برف، گل‌ها و درختان، شکوفه‌ها و پروانه‌ها و پرندگان همه زیبایی‌هایی هستند که ما را در خود غرق می‌کنند، آرامش می‌دهند و نشاط می‌بخشند. مسلمان‌ها در گذشته بیشتر با طبیعت مانوس بودند. طلوع و غروب آفتاب، آسمان پرستاره، پرندگان و پروانه‌ها، گل‌ها و گیاهان را همیشه می‌دیدند. اما امروز زندگی مدرن تا حدی این‌ها را از دست بشر گرفته است، بلکه باید بگوییم طبیعت دارد از بین می‌رود. من کودکی خود را در روستایی در دامن طبیعت بکر در مازندران گذراندم. آنجا متولد شدم تا سال پنجم ابتدایی آنجا بودم و سپس جهت ادامه تحصیل به شهر آمدن ولی باز تابستان‌ها به آنجا می‌رفتم و اینک نیز اندکی با آنجا مرتبط‌ام. هنوز احساس می‌کنم که آن چند سال تا کلاس پنجم ابتدایی، گویی بهشتی بوده است روی زمین، اما اینک که گاه ما به آنجا می‌روم گویی طبیعت خراب شده است.

این دفتر علاوه بر این که زندگی نامه، خاطره و هشدار باش است، همچنین دعوت خوانندگان است به این که طبیعت را گرمی بدارند و



آن را حفظ کنند. همچنین، گواهی است بر بهشتی که در این سرزمین بوده است هرچند زندگی در آن سختی های خود را هم داشت ولی آیا توانستیم آن طبیعت بهشت گونه را حفظ کنیم تا باز بتوانیم به طبیعت برویم؟ آری شهرها باید در دامن و در دل خود و بلکه در همه جا گیاهان و طبیعت را به زندگی مردم بکشاند.

این دفتر طبیعت را سرود آفرینش می داند. سرودی که خداوند با آدمیان سرداده است. تا چشم و گوش ما آن را حس و لمس و درک کند. نمی توانم پنهان کنم که چه بسا این نوشته ها تا ساعت ها مرا در دامن طبیعت کشانده است. دچار خلسه می شدم، نمی توانستم آنجا را رها کنم، مگر به ضرورت. البته در هر جا که من روحم با عمق هستی و روح آفرینش پیوندی می یافت من چیزی نوشتم، لحظاتی خاص در دامن طبیعت یا روی مقبره بزرگان یا حتی در دامن پارک ها. باری این مجموعه چند دفتر است، دفتر اول اینک به چاپ می رسد تا دفترهای بعدی انشاء الله به کمک الهی بعدا به چاپ رسد. در پایان سپاس ویژه خود را به جناب آقای نوع پرست مدیر محترم نشر آماره تقدیم می کنم و خدا را به این توفیق سپاسگزارم.

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

حسن مبینی ۱۳۹۸/۶/۲۹